

تحلیل توسعه سیاسی در ایران از منظر الگوی هویتی

* مجتبی مقصودی

E-mail: maghsoodi42@yahoo.com

** سیمین حاجی پور

E-mail: s_binesh@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۲۵

چکیده

در این مطالعه تلاش شده تا توسعه سیاسی در ایران، در چارچوب و سپهر پیشران‌ها و ایستاهای هویتی، با استفاده از نظریه‌ی زمینه‌ای و بررسی آرا و اندیشه‌های دانشمندان مختلف ایرانی در قالب یک الگو به تصویر کشیده شود. در این مسیر، از مدل مفهومی هویت‌های چندگانه رینولدز و پوپ، که درک کامل و گویایی از فرد، اجتماع، عوامل درونی و بیرونی در تعامل با توسعه سیاسی ایجاد می‌کند، استفاده شد. به منظور تبیین و طراحی الگوها ابتدا مؤلفه‌های هویتی توسعه سیاسی استخراج شد. با کدبندی و طبقه‌بندی سه مرحله‌ای این مؤلفه‌ها، چستی و هستی آنها کاملاً تحدید و تعریف شد. حلقه‌های متقاطع هویتی توسعه سیاسی در طواف حول هسته مرکزی ترسیم شد. هسته مرکزی و حلقه‌های متقاطع در بافتی از عوامل متنی بازنمایی شد. در نهایت، مدل مفهومی استخراج شد که نشان می‌دهند چگونه ابعاد مختلف هویت که در گذر زمان و در محیط و بافت نقش می‌پذیرند، بر توسعه سیاسی تأثیرگذاری دارند. این مطالعه‌ی زمینه‌ای، جنبه‌هایی از هویت را مشخص کرد که بر توسعه سیاسی تأثیر مثبت دارند و به‌عنوان مزیت باید در تقویت آنها کوشید. از سوی دیگر، ابعاد منفی هویتی را، که به‌عنوان ایستا از توسعه سیاسی در ایران جلوگیری می‌کند، کشف کرد؛ کاستی‌هایی که باید برای اصلاح آنها تلاش کرد. به علاوه، این مدل نشان می‌دهد که ابعاد مختلف هویت، همگی، در توسعه سیاسی در ایران نقش دارند، اما به شیوه‌های مختلف تجربه شده و از اهمیت کم و بیش متفاوتی برخوردارند.

کلید واژه‌ها: توسعه، توسعه سیاسی، هویت، پیشران‌های هویتی، ایستاهای هویتی.

* دانشیار جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، نویسنده‌ی مسوول

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی - جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی



مقدمه

بازخوانی هویت یکی از ضرورت‌های دوران ما است. بیش از یک صد سال است که جامعه‌ی ما، از یک سو با سنت و هویت سنتی ایران و ایرانیان درگیر است و از سوی دیگر، در تقابل یا پذیرایی از مؤلفه‌ها و ساختارهای هویت متجدد و غربی دست و پا می‌زند. گاهی شتابان به سمت هویت سنتی خود می‌دود و زمانی سراسیمه به غافله هویت تجدیدطلبی می‌پیوندد.

مفهوم هویت به‌عنوان فرایند پاسخ‌گویی آگاهانه‌ی افراد و اجتماعات به پرسش‌هایی از باب کیستی و چیستی، از جمله مفاهیم مهمی است، که نظم کهن تاریخی را به سامان نوین امروزی پیوند می‌زند. هویت، مجموعه‌ای از علائم، آثار مادی، مفهومی، زیستی، اجتماعی، فرهنگی - تمدنی و روانی است که نه فقط موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه، اهلیتی از اهلیت دیگر و فرهنگ و تمدنی از فرهنگ و تمدن دیگر می‌شود (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۶)، بلکه خود پیش‌شرط هر نوع عمل، به‌ویژه عمل اجتماعی است (مقصودی، ۱۳۸۶: ۸۳).

کدام یک از مؤلفه‌های هویت شکل گرفته در ایران، برای توسعه سیاسی نقش پیشران را ایفا می‌کنند و کدام یک در قد و قامت بازدارنده و ایستا ظاهر می‌شوند؟ آیا می‌توان جامعه‌ای به مثابه یک الگو بر قامت پیشران‌های هویتی توسعه سیاسی اندیشید؟ این مقاله می‌کوشد تا با تکیه بر نظریه‌ی زمینه‌ای (داده بنیاد) پیشران‌ها و ایستاهای هویتی توسعه‌ی سیاسی در ایران را بررسی کند. لازمه ایجاد توسعه‌ی سیاسی ایجاد نوعی جغرافیای مشترک گفتمانی در میانه‌ی خرده‌گفتمان‌های گوناگون است. لذا برای پاسخ به این پرسش‌ها به بررسی هویت و توسعه‌ی سیاسی از منظر اندیشمندان با گفتمان‌های متفاوت خواهیم پرداخت، تا شاید به سپهری مشترک دست یابیم.

برخی از نظریه‌پردازان تحلیل کرده‌اند، که توسعه یا عدم توسعه از خارج به یک کشور تحمیل نمی‌شود، بلکه این خود جامعه است که توسعه یا عقب‌ماندگی را برمی‌گزیند (هریسون و هانتینگتون، ۱۳۸۸: ۱۲۷). بر همین اساس در این پژوهش سعی شده است بدون اظهار نظر در مورد تأثیر عوامل بیرونی بر توسعه‌یافتگی سیاسی، صرفاً از نظر و منظر عوامل هویتی و درونی، بررسی انجام شود.

توسعه

توسعه مفهومی اساساً مبهم، ماهیتاً جدال‌برانگیز و شخصیتاً متناقض است. دال «توسعه»

دالی تهی و شناور است که در بستر گفتمان‌های مختلف به مدل‌های گوناگون پیوند می‌خورد. از این رو، پیوند دال توسعه و مدل‌های آن رابطه‌ای قراردادی است. از نگاه فرهنگ لغت، توسعه به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ‌تر شدن است.

مایکل تودارو، اما، توسعه را جریانی چندبُعدی می‌داند که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه‌ی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است (تودارو، ۱۳۷۰: ۱۳۵). «جرالد میر»، توسعه را رشد اقتصادی توأم با تغییرات و تحولات فنی، ارزشی و نهادی دانسته است و می‌نویسد: «توسعه فرآیندی است که به موجب آن درآمد واقعی سرانه در کشور و در دورانی طولانی مدت افزایش می‌یابد» (جیروند، ۱۳۶۸: ۸۳).

«آمارتیا سن»، با تأکید و توجه خاصی که بر عامل انسانی دارد، تفسیر ویژه‌ای از توسعه ارائه می‌دهد. از نظر آمارتیا سن، توسعه عبارت است از: «افزایش توانمندی‌ها و بهبود استحقاق‌ها». بنابراین، اقداماتی که توانمندی‌های انسان را در ابعاد مختلف عمق و گسترش دهد، عوامل پیش‌برنده‌ی توسعه و اقداماتی که منجر به کاهش توانمندی‌های انسان گردد، از عوامل بازدارنده توسعه محسوب می‌شوند (سن، ۱۹۹۹: ۲۸۲).

همان‌گونه که بیان شد توسعه را باید در گستره‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در نظر گرفت. توسعه‌ی هر جزء در گرو توسعه‌ی جزء دیگر است و زمانی می‌توان از توسعه‌ی متوازن در یک جامعه سخن گفت که تمامی نظام‌های فرعی و سطوح و لایه‌های سازنده و پردازنده آن به طور متوازن، هماهنگ و هم‌افزا توسعه یابند. اما مفهوم توسعه‌ی سیاسی در عرصه سیاست و علم سیاست جایگاه مهمی دارد. با این حال، «هنوز ابهام و عدم صراحت زیادی در مورد این دانش‌واژه وجود دارد.» (عالم، ۱۳۸۲: ۱۲۳). اما، چیزی که مسلم است این است که توسعه‌ی سیاسی را نمی‌توان یک تحول مکانیکی خود به خودی دانست (آن‌گونه که لیپست در مدل نوسازی خود برای توسعه بیان می‌کند) که پس از پیدایش زمینه‌های عینی لازم، ضرورتاً پدید می‌آید. توسعه‌ی سیاسی، در واقع، متضمن تحولی ذهنی است که خود می‌تواند برآیندی از تحولات عینی باشد. توسعه‌ی سیاسی وقتی حاصل می‌شود که:

۱- گروه‌ها و نیروهای اجتماعی گوناگون بتوانند به علایق و منافع خود از نظر سیاسی سازمان بدهند.

۲- در درون ساختار سیاسی نهادهای گوناگونی توسعه‌یافته باشد و حکومت



براساس پیچیدگی و گستردگی این نهادهای سیاسی و با استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز بتواند:

(الف) به تلفیق علایق و منافع گوناگون بپردازد.

(ب) روش‌هایی برای دست به دست شدن قدرت سیاسی در بین گروه‌ها و نیروهای گوناگون داشته باشد.

(ج) با گسترش نهادها، سیاست اساساً غیرشخصی و باثبات شود.

(د) امکان اعمال خشونت سیاسی در وجوه گوناگون آن کاهش یابد.

۳- در درون نهادهای سیاسی مستقر، مجال مشارکت و رقابت سیاسی مستمر و مسالمت‌آمیز وجود داشته باشد.

۴- مجموعه ساختار و فرآیندهای بالا از استمرار و مشروعیت گسترده‌ای برخوردار بوده و به صورت قانونی (در قانون اساسی) نهادینه شده باشد (بشیریه، ۱۳۸۲: ۵۶۱).

این تحولات عینی، موجب تحولات ذهنی خواهد شد و تحولات ذهنی، مطابق الگوی سامان سیاسی هانتینگتون در مکتب نئونوسازی، افزایش مطالبات را شکل می‌دهد. اندیشمندان الگوی نئونوسازی، تعریف‌های متفاوتی از توسعه‌ی سیاسی ارائه می‌دهند. لوسین پای (۱۳۸۲) افزایش ظرفیت نظام در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و همچنین افزایش مشارکت سیاسی را توسعه‌ی سیاسی می‌داند (قوام، ۱۳۸۲: ۸۶).

ساموئل هانتینگتون وجود یک طبقه متوسط را، که از آن تحت عنوان طبقه بورژوا نام می‌برد، و ما آن را جامعه مدنی می‌دانیم، مهم‌ترین عامل و پیشران در رخداد توسعه‌ی سیاسی می‌داند. هانتینگتون توسعه‌ی سیاسی را در آفرینش نهادهای سیاسی دارای پیچیدگی، انسجام، استقلال برای جذب و تنظیم مشارکت‌های جدید و ترویج تغییرات اقتصادی و اجتماعی در جامعه، می‌بیند (به نقل از: امین‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۱۰).

رابرت دال، اما، توسعه‌ی سیاسی را تحقق تدریجی پلی‌آرشی در نظر گرفت. او قانون‌مداری، شایسته‌سالاری، مشارکت، توسعه اداری، نهادینه شدن دگرگونی‌ها و بالا رفتن کارایی نظام سیاسی و در کل، حرکت در مسیر دموکراسی را، توسعه سیاسی نامید.

اما از نگاه توسعه‌ی سیاسی = دموکراسی و حضور زمینه‌های پذیرش، پردازش و پرورش توسعه‌ی سیاسی، ما در کدام قسمت خط مستقیم دموکراسی ایستاده‌ایم و برآیند چندبُعدی شاخص‌های توسعه‌ی سیاسی در ایران در کدام بخش از محور مختصات فرود می‌آید؟ هویت ایرانیان به سمت نظام‌های سیاسی محدود تمایل دارد، یا

به سوی نظام‌های سیاسی باز و مشارکت‌پذیر گرایش نشان می‌دهد؟ چه عوامل هویتی می‌تواند ایرانی را در این مسیر یاری کند و کدام خصوصیات و ویژگی‌های هویتی به توسعه‌ی سیاسی تابلوی ایست را نشان می‌دهد؟

هویت

هویت فرآیند پاسخ‌گویی آگاهانه‌ی هر فرد یا ملت به پرسش‌هایی از چیستی و کیستی خویش است: این که در گذشته چه کسی بوده است؟ دارای چه فرهنگ و تمدنی بوده و در فرآیند توسعه‌ی جهانی چه سهم و نقشی داشته، و امروز صاحب چه جایگاه و منزلت فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در نظام جهانی است. در واقع، به تعبیر احمد اشرف (۱۳۷۸) می‌توان گفت: «هویت به معنی هستی و وجود است؛ چیزی که وسیله شناسایی فرد باشد؛ یعنی مجموعه خصایل فردی و خصوصیات رفتاری، که از روی آن، فرد به‌عنوان یک گروه اجتماعی، شناخته می‌شود و از دیگران متمایز می‌گردد» (ص ۵۳۲). از دیدگاه روانکاوانه، هر کسی در زندگی خود تجربیاتی می‌اندوزد و بر هسته اصلی شخصیت خود، لایه‌های جدیدی می‌افزاید، بدین ترتیب افزایش و تثبیت این لایه‌ها، سبب شکل‌گیری هویت آدمی می‌شود. به تعبیر دیگر، هویت، مجموعه خصایل و مشخصاتی است که «ما» را از «دیگران یا غیر»، مشخص و متمایز می‌سازد.

مدل نظری پژوهش

تاکنون جامعه‌شناسان و اندیشمندان علوم سیاسی برای توسعه‌نیافتگی ایران علل و عوامل گوناگونی را مطرح کرده‌اند، که عموماً به ساختار حکومت، استبداد تاریخی، ساختار اجتماعی و مسایلی از این دست اشاره دارد، و کمتر دل‌آشوبه‌ی عوامل هویتی و فرهنگی را، در ربطی وثیق با توسعه سیاسی، مورد بررسی قرار داده‌اند. اما از آنجایی که میزان توسعه یا عدم توسعه‌یافتگی سیاسی افراد یک جامعه، در دایره و محدوده‌ی هویت و فرهنگ هر جامعه قرار دارد، و متأثر از خصوصیات، باورها و بینش‌های هویتی و فرهنگی همان جامعه است؛ تلاش ما در این پژوهش بر آن قرار گرفت، تا پیشران‌ها و ایستاهای توسعه سیاسی را شناسایی، و انواع هویتی آنها را مشخص کنیم، و براساس مدل مفهومی چندبُعدی رینولدز و پوپ (۱۹۹۱) برای پیشران‌ها و ایستاهای هویتی توسعه‌ی سیاسی در ایران، مدل و الگوی بومی طراحی کنیم. در این بررسی با استفاده از نظریه زمینه‌ای گلاسر و استراوس (۱۹۶۷)، هویت‌های



چندگانه پیشران و ایستاهای هویتی توسعه سیاسی مورد مطالعه قرار گرفته است. هدف از این مطالعه، بررسی هویت و نفوذ و تأثیر ابعاد چندگانه آن در ایجاد توسعه سیاسی، در مسیر پیشرفت و تکامل است.

مدل مفهومی چندبُعدی رینولدز و پوپ

در این پژوهش، یک مدل مفهومی چندبُعدی ارائه می‌شود، که درک کامل و پویایی از فرد، اجتماع، عوامل درونی و بیرونی را در تعامل با توسعه‌ی سیاسی ایجاد می‌کند. این مدل دارای یک هسته اصلی و مرکزی از هویت شخصی فرد و پیشران‌ها یا ایستاهای درونی هویتی او است. حلقه‌های متقاطع، حول این هویت مرکزی در طواف هستند و ابعاد هویتی را مانند فرهنگی، سیاسی، مذهبی و نظایر آن و نیز تأثیر عوامل متنی، نظیر دانش و تکنولوژی، مشروعیت و نهادسازی را، بازنمایی می‌کنند. این هسته‌ی مرکزی و حلقه‌های متقاطع حول آن، در کل پیشران‌ها یا ایستاهای هویتی توسعه سیاسی را با استفاده از نظریه زمینه‌ای و مطالعه‌ای که بر روی تحقیقات و پژوهش‌های اندیشمندان علوم سیاسی ایرانی انجام شده، به نمایش می‌گذارد.

رینولدز و پوپ برای طراحی مدل هویت‌های چندبُعدی، از یک ماتریس دو بُعدی استفاده کردند. بُعد اول این پرسش را مطرح می‌کرد، که آیا یک فرد می‌تواند ایستاهای چندگانه داشته باشد یا فرد فقط در یک گروه از ایستاهای قرار می‌گیرد؟ و دومین پرسش درگیرکننده ذهن آنها این بود، که آیا یک فرد با یک یا چند ایستا، به صورت فعال عمل می‌کند یا منفعل؟ به این ترتیب و براساس این دو پرسش، چهار گزینه پیش‌روی رینولدز و پوپ قرار گرفت که عبارت بودند از:

۱- تعیین هویت، فقط با یک جنبه یا بُعد از خود (به عنوان مثال جنسیت یا نژاد) و به شیوه منفعل. این جنبه از خود بوسیله دیگری نظیر جامعه، همکلاسی‌های دانشگاه یا خانواده تعیین می‌شود.

۲- تعیین هویت بوسیله فقط یک جنبه از خود که بوسیله خود فرد تعریف می‌شود. به این معنا که فرد ممکن است خود را به عنوان یک ایرانی یا یک زن معرفی کند، بدون این که از سایر هویت‌های خود، بخصوص هویت‌های ایستای خود، نام ببرد.

۳- تعیین هویت بوسیله ابعاد و جنبه‌های مختلف و چندگانه‌ی خود و به روش «قطعه قطعه شده» (رینولدز و پوپ، ۱۹۹۱: ۱۷۹). در این روش، در هر لحظه، فقط یک جنبه از هویت فرد در نظر گرفته می‌شود. این جنبه از هویت بوسیله متن یا بافت تعیین

می‌شود و خواسته‌ی فرد در آن نقشی ندارد. به‌عنوان مثال، در یک بافت یا متن، یک فرد هویتی مانند سیاه‌پوست دارد، و در بافتی دیگر در هویت مرد نقش می‌گیرد.

۴- فرد بوسیله جنبه‌ها و ابعاد مختلف و چندگانه‌ی خود، بخصوص ایستاهای چندگانه، تعیین هویت می‌شود. در این گزینه، فرد ابعاد هویتی خود را آگاهانه انتخاب کرده و به خود نسبت می‌دهد.

ارزش کار رینولدز و پوپ (۱۹۹۱) در تمرکز بر روی موضوع هویت‌های چندگانه است. مک اون (۱۹۹۶) ابعاد و فرآیندهای پیشرفت هویت‌های چندگانه را مورد مطالعه قرار داد. او پیشنهاد کرد، که تعامل و تقاطع توسعه و پیشرفت هویت‌های چندگانه می‌تواند به مثابه یک ساختار مخروطی، با شعاع‌ها و بلندی‌های متفاوت، در نظر گرفته شود. این ساختار مخروطی مشابه ماریپیچ حلزونی است.

افزایش طول و محیط مخروط، پیچیدگی پیشرفت فرد مانند سن، تجربیات، تحصیلات و تغییر واکنش‌ها را نشان می‌دهد. برش مقطعی دوبعدی مخروط، شکلی مشابه دایره یا بیضی ایجاد می‌کند که نشان‌دهنده پیشرفت فرد در یک مقطع زمانی خاص است. بنابراین، بررسی سطوح مقطع افقی مخروط می‌تواند تصویر جامعی از پیشرفت فرد در زمان‌های مختلف ایجاد کند. اما این سطوح مقطع افقی، درباره الگوهای پیشرفت فرد در طول و گذر زمان، مفهومی ایجاد نمی‌کند.

از سوی دیگر، سطوح مقطع عمودی فقط می‌تواند یک یا دو بُعد از هویت فرد را شامل شود و چگونگی پیشرفت این بُعد از هویت فرد را، در طول دوره زندگی و زمان‌های مختلف به تصویر می‌کشد.

سایر انواع سطح مقطع این مخروط را نیز می‌توان در نظر گرفت. در الگوی مک اون در سطوح مقطع مختلف تصویری از ابعاد مختلف پیشرفت هویت یا تعاملات بین هویت‌های چندگانه نشان داده می‌شود، که در سایر مدل‌ها و الگوها به آن توجهی نشده است. بحث‌های نظری دوکس (۱۹۹۳)، که یک روان‌شناس اجتماعی است، نیز به مدل مفهومی ابعاد چندگانه‌ی هویت که در اینجا ارائه شده است، کمک می‌کند. او هویت را به‌صورت داخلی - بوسیله فرد - و خارجی - بوسیله دیگران - تعریف می‌کند که پایه و اساس نظری هویت‌های چندگانه را شکل می‌دهد. نقطه‌ی قوت این مطالعه، بررسی هویت‌های چندگانه است. در هیچ یک از مطالعات، برای هویت‌های چندگانه، یک الگو ارائه نمی‌شود و فرآیند توسعه‌ی هویت‌های چندگانه نیز مورد مطالعه قرار نمی‌گیرد.

در مطالعه حاضر تلاش شده است، با استفاده از رویکرد نظریه‌ی زمینه‌ای گلاسر و



استراوس (۱۹۶۷) یک مدل از ابعاد چندگانه‌ی هویت در ربط وثیق با توسعه‌ی سیاسی طراحی شود.

روش‌شناسی شرکت‌کنندگان

شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۱۵ اندیشمند علوم سیاسی بودند که در مورد توسعه‌ی سیاسی و عوامل پیشران و بازدارنده آن به تحقیق و پژوهش پرداخته بودند و از نظر پیشینه، خاستگاه، اندیشه و گرایش سیاسی با یکدیگر تفاوت داشتند. در نتیجه، دیدگاه آنها نسبت به توسعه‌ی سیاسی و نقش مسایل هویتی در آن متفاوت بود و هر یک از آبخوری خاص به موضوع ورود کرده بودند. این اندیشمندان از میان خرده‌گفتمان‌های مختلف انتخاب شدند، تا به سپهر و داستان مشترک و هم‌صدایی در عین چندصدایی، در بین اندیشمندان علوم سیاسی دست یابیم که این، خود، اولین گام در جهت توسعه‌ی سیاسی است.

شاخص تعیین نمونه در این مطالعه، تفاوت‌های آشکار میان گرایش‌های مختلف سیاسی بود. ابتدا یک گروه ۵ نفره، که از نظر ویژگی‌های مورد نظر بیشترین تفاوت و توانایی را داشتند، انتخاب شدند. سپس با توجه به روش نظریه‌ی زمینه‌ای و نمونه‌گیری نظری (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰: ۸) ۱۰ شرکت‌کننده دیگر در طول پژوهش افزوده شدند. این شرکت‌کنندگان با استراتژی نمونه‌برداری گلوله برفی تعیین شدند. تصمیم‌گیری برای نمونه‌برداری با تحلیل اطلاعات اولیه، بررسی غنای اطلاعات به دست آمده و نیل به اشباع انجام شد.

روش

اطلاعات مورد نظر از طریق بررسی و مطالعه‌ی متون نوشته شده و به چاپ رسیده ۱۵ اندیشمند علوم سیاسی ایرانی به دست آمد. هدف مرکزی و اصلی از بررسی این متون، استخراج توصیف‌ها و درک آنها از توسعه‌ی سیاسی و نقش مسایل هویتی در آن بود. در این روش پدیدارشناسی، ساختاری برای مشارکت‌کنندگان در نظر گرفته شد تا بتوان به راحتی به درک و چشم‌انداز آنها دست یافت. در این ساختار، از لغات و واژگان مشارکت‌کنندگان در توصیف فرآیندها استفاده شد، تا به این وسیله بتوان به تفاوت‌های مفهومی دیدگاه‌های مختلف و نحوه تعریف آنها از توسعه‌ی سیاسی دست یافت.

هرمتن، سه بار مورد بررسی قرار گرفت. در مرتبه اول، بازخوانی به صورت گسترده انجام گرفت و مفاهیم عام تر استخراج شدند. قرائت‌های بعدی، ساخت یافته‌تر بودند و به طور خاص بر روی ابعاد هویتی و توسعه‌ای خاص استخراج شده در خوانش‌های قبلی تأکید می‌کرد. در روش نظریه‌ی زمینه‌ای، تحلیل داده‌ها با استفاده از سه سطح کدبندی شامل: کدبندی باز، کدبندی محوری و کدبندی انتخابی انجام می‌شود. مرحله اول کدبندی، شکستن اطلاعات و آغاز فرآیند طبقه‌بندی را دربرمی‌گیرد. در این مرحله با یافتن مفاهیم، اشباع طبقات نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. کدبندی محوری شامل مقایسه به صورت عمیق‌تر است و این مقایسه ارتباط بین طبقات را توصیف می‌کند، مقوله‌های عمده را در ارتباط با یکدیگر و در ارتباط با کل شکل می‌دهد و زمینه را برای کدبندی انتخابی فراهم می‌کند. با استفاده از کدبندی انتخابی، اطلاعات دسته‌بندی شده در طبقه‌بندی‌های کلیدی توصیف می‌شوند و طبقه یا هسته‌ی مرکزی به دست می‌آید که داستان مرکزی همه شرکت‌کنندگان را به تصویر می‌کشد و روابط متقابل بین مقوله‌ها را نشان می‌دهد. براساس این طبقه‌ی مرکزی، مدل مفهومی مورد نظر طراحی می‌شود، که به انعکاس اطلاعات و تجربیات تمام شرکت‌کنندگان می‌پردازد.

پیشران‌های هویتی توسعه سیاسی در ایران

مطالب نگارش شده ۱۵ اندیشمند علوم سیاسی ایرانی، در سپهر و ساحت جامعه ایران، از منظر پیشران‌های هویتی توسعه‌ی سیاسی، براساس نظریه‌ی زمینه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. در این مطالعه از تحلیل داده‌های خام ۷۰۰ مفهوم، ۳۹ طبقه در مقایسه اولیه، ۱۱ طبقه کلیدی و ۱ هسته مرکزی به دست آمد. مراحل مختلف کدبندی و دسته‌بندی پیشران‌های هویتی توسعه‌ی سیاسی در ایران در جدول شماره ۱ به نمایش گذاشته شده است:

جدول شماره ۱: کدبندی و دسته‌بندی پیشران‌های هویتی توسعه سیاسی در ایران

براساس نظریه زمینه‌ای

سواد و آموزش	دانش و تکنولوژی	بافت	۰۱
پیشرفت دانش و فن‌آوری			۰۲
تخصص به عنوان متاع خاص			۲۲
همسویی منافع هیأت حاکمه با مصالح و منافع عمومی	مشروعیت	بافت	۲۷
تأثیر و فعالیت نهادهای غیردولتی در ایجاد فرهنگ اجتماعی	نهادسازی		۲۸
همبستگی ارگانیک	همگرایی	هویت اجتماعی	۰۶
قوت و استحکام هویت عمومی جامعه			۲۴
علاقه به جامعه			۲۵



کثرت‌گرایی	مشارکت سیاسی	هویت سیاسی	۰۸
گرایش به دموکراسی		۰۹	
ابتکار	تفکر و تعقل	هویت سیاسی	۱۰
خلاقیت			۱۱
نوآوری			۱۷
برخورداری تفکر از زمینه‌های استقرایی قوی			۱۹
دوری از برخوردهای قالبی و کلیشه‌ای			۲۰
تفکر به‌عنوان متاع عمومی			۲۱
تصمیم‌گیری مبتنی بر اصلاح‌نگری و اصلاح‌پذیری			۲۹
قناعت			۳۹
وقت‌شناسی	ویژگی‌های فردی	فردی	۳۴
نوع‌دوستی		۱۵	
صداقت		۳۵	
کرامت		۱۶	
فردگرایی مثبت		۱۲	
انگیزه		۳۲	
سخت‌کوشی		۳۳	
تلاش شجاعانه جهت غلبه بر مشکلات		۳۶	
نخبگان پیشرو	فرهنگ نخبگان		۰۳
جنبش روشنفکری			۰۵
روحیه اشتراک مساعی جمعی	کار گروهی		۰۷
توانایی انجام کار گروهی			۲۳
گسترش فرهنگ	فرهنگ	هویت فرهنگی	۱۸
قانون‌پذیری بنیادی در میان مردم			۲۶
ارزشگذاری براساس توانایی‌ها و لیاقت‌ها			۱۳
باور علمی			۱۴
حس وفاداری و تعهد			۳۰
احساس مسوولیت اجتماعی			۳۱
وفای به عهد و راستگویی			۳۷
رقابت قاعده‌مند			۳۸
تجددخواهی در سنت	تجددگرایی	هویت ملی	۴۰

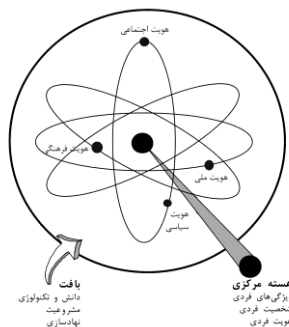
تحلیل یافته‌های پیشران‌های هویتی توسعه سیاسی در ایران

در طراحی مدل مفهومی پیشران‌های هویتی توسعه سیاسی، تلاش می‌شود ابعاد چندگانه هویت در توسعه سیاسی به تصویر کشیده شود. در مرکز این مدل، هویت فردی پیشران قرار دارد که با خصوصیات مانند ابتکار، نوع‌دوستی، صداقت، کرامت و سختکوشی تعریف می‌شود.

براساس مطالعات انجام گرفته، در مدل پیشران، هویت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ملی در طواف هسته مرکزی قرار گرفته‌اند. هویت‌های اجتماعی پیشران توسعه سیاسی در قاب و قالب همگرایی، علاقه به جامعه و همبستگی ارگانیک معرفی می‌شوند. از منظر اندیشمندان علوم سیاسی، کثرت‌گرایی و گرایش به دموکراسی از جمله موارد هویت سیاسی جامعه ایران است، که می‌تواند توسعه سیاسی را به پیش براند و هویت فرهنگی نیز در پیشبرد توسعه سیاسی مؤثر است. قانون‌پذیری، شایسته‌سالاری، احساس مسوولیت اجتماعی و رقابت‌پذیری از مؤلفه‌های هویت فرهنگی هستند، که در صورت حضور در سپهر جامعه، رنگ‌های گوناگون و متنوع توسعه سیاسی بر آن جلوه‌گر می‌شوند.

اندیشمندان علوم سیاسی تلاش کرده‌اند در بالاترین سطح، تجددگرایی و سنت را در جامعه‌ی هویت ملی برای پیشبرد توسعه سیاسی به یکدیگر پیوند زنند، همان‌گونه که هانتینگتون نیز بر نقش پررنگ هویت ملی، در توسعه سیاسی یک جامعه، تأکید دارد. این هسته‌ی مرکزی و حلقه‌های متقاطع در یک بافت متشکل از دانش و تکنولوژی، مشروعیت و نهادسازی، به رشد و بالندگی توسعه سیاسی در جامعه ایران خواهد انجامید. در نهایت، براساس اطلاعات و تحلیل به دست آمده، الگوی پیشران‌های هویتی توسعه سیاسی در ایران براساس مدل رینولدز و پوپ به صورت زیر طراحی شد:

مدل شماره ۱: مدل مفهومی پیشران‌های هویتی توسعه سیاسی در ایران





ایستاهای هویتی توسعه سیاسی در ایران

در بررسی ایستاهای هویتی توسعه سیاسی در ایران براساس مطالب ۱۵ اندیشمند علوم سیاسی برخاسته از گفتمان‌های مختلف ۱۵۰۰ مفهوم، ۹۸ طبقه اولیه، ۱۹ طبقه کلیدی و ۱ هسته مرکزی به دست آمد. مراحل مختلف کدبندی و دسته‌بندی ایستاهای هویتی توسعه سیاسی در ایران در جدول شماره ۲ به نمایش گذاشته شده است:

جدول شماره ۲: کدبندی و دسته‌بندی ایستاهای هویتی توسعه سیاسی در ایران براساس

نظریه زمینه‌ای

پراکندگی احزاب سیاسی	مشارکت	بافت	۰۸	
سیاسی شدن نیروهای مسلح			۱۰	
خشونت سیاسی	مشروعیت	بافت	۰۱	
دولت استبدادی			۰۲	
تمرکز منابع قدرت			۰۳	
متمرکز شدن اختیارات			۰۹	
بی‌ثباتی	نهادسازی	بافت	۸۶	
فقدان رسمیت			۶۰	
فقدان احزاب کارآمد			۷۳	
فقدان جامعه مدنی وسیع			۷۴	
ضعف علمی در کلیت جامعه	دانش	بافت	۹۱	
شکاف‌های آشتی‌ناپذیر	شکاف اجتماعی		۰۴	
شکاف‌های محلی و منطقه‌ای			۶۲	
ضعیف بودن اهداف جمعی			۹۵	
نخبه‌گرایی	مدیریت جامعه	هویت اجتماعی	۴۸	
توده‌گرایی			۴۹	
فقدان فردیت			۵۹	
جامعه ضعیف اخلاقی			۹۸	
تشکل‌های غیررسمی در سازمان‌ها	اقتدار	بافت	۲۶	
بازدهی کم و نامؤثر نظام اداری	ساختار اداری ناکارآمد		هویت سیاسی	۱۸
نظام ناشایستگی				۲۰
فساد اداری				۲۱
مهارت‌گسیختگی بوروکراسی‌ها		۲۵		
مدیریت متمرکز با تفویض اختیارات اندک			۲۳	

فساد سیاسی	فرهنگ سیاسی		۰۷
عدم حکومت قانون			۱۷
برقراری رابطه به جای ضابطه			۶۱
پایین بودن سطح آگاهی‌های سیاسی			۷۲
ساختار مکانیکی	تفکیک‌ساختاری	هویت	۱۶
شکاف‌های طبقاتی	طبقه	طبقاتی	۶۵
نگاه معطوف به گذشته	حفظ گذشته		۲۹
بی‌مفهومی برنامه‌ریزی برای آینده			۳۱
جایگزینی اهداف فردی به جای اهداف عمومی	فردگرایی		۱۹
خودمداری			۴۵
تک‌روی			۴۶
بی‌اعتمادی نسبت به تشکل‌های جمعی			۴۷
فقدان اجماع	ویژگی فردی	هویت فردی	۵۸
فقدان انگیزه موقعیت‌طلبی در مردم			۰۶
احساساتی بودن			۱۲
محافظه‌کاری			۱۴
سوءظن			۱۵
فرهنگ سخنگویی به جای عمل‌گرایی			۲۴
ثبات‌جویی			۲۸
محافظه‌کاری شدید			۳۰
میل به استبداد فردی			۴۰
قناعت‌طلبی			۴۱
پنهان‌کاری			۴۲
روحیه تملق و چاپلوسی			۴۳
ریاکاری			۴۴
تنبلی			۵۰
تن‌پروری			۵۱
بخل			۵۲
کینه	۵۳		
حسد	۵۴		
دروغ‌گویی	۵۵		



بی تفاوتی			۵۶
بدبینی			۶۶
ترس			۶۷
نپذیرفتن تغییر			۶۹
بردباری			۷۶
شلختگی و بی نظمی			۷۷
سازگاری			۷۸
زودخواهی و زورخواهی			۷۹
کم کاری			۸۰
مسئولیت ناپذیری			۸۲
قاعده مند نبودن			۸۳
نداشتن جهان بینی روشن			۸۴
تعریف کوتاه مدت از زندگی			۸۵
ظاهر سازی			۸۷
عدم اعتراف به ضعف‌ها و کاستی‌ها			۸۸
مخفی کاری در زندگی			۸۹
پارادوکس‌های رفتاری			۹۰
غلبه زرنگی‌های کوتاه مدت			۹۳
محدود بودن دامنه لذات			۹۴
علاقه فراوان به دنیا			۹۶
ضعف هنر گوش کردن			۹۷
متفعت طلبی			۷۰
ضعف اساسی در انتقاد و خودانتقادی			۶۸
جزمیت	تعصب		۰۵
اسطوره گرایی			۱۱
خرافه گرایی	فرهنگ	هویت فرهنگی	۵۷
شکاف‌های فرهنگی			۶۴
وجود تفکر افراطی درباره هویت‌های فرهنگی			۱۳
فرهنگ خویشاوندسالاری و ارتباطات غیررسمی در نظام‌های اداری			۲۲
فرهنگ روستایی و عشایری			۷۱
فرهنگ انقیادی و تبعی			۷۵

تقلید و دیبوزگی بیگانگان			۸۱
نازل بودن مقام فکر و اندیشه			۹۲
شکاف‌های قومی	قومی	هویت قومی	۶۳
روحیه رضا و تسلیم	تسلیم‌پذیری	هویت	۳۵
انتظار			۳۶
تسلیم‌پذیری			۳۷
روحیه تقدیرگرایی	تقدیرگرایی	مذهبی	۲۷
توکل			۳۲
صبر و شکیبایی			۳۳
تقدیرگرایی الهیاتی			۳۴
فرهنگ قضا و قدر			۳۸
واسپاری حق تعیین سرنوشت			۳۹

تحلیل یافته‌های ایستاهای هویتی توسعه سیاسی در ایران

براساس طبقه‌بندی مقوله‌ها، الگویی مفهومی برای ایستاهای هویتی توسعه‌ی سیاسی در ایران طراحی شد. این مدل تأثیر منفی بخش‌هایی از انواع مختلف هویت: اجتماعی، سیاسی، طبقاتی، فردی، فرهنگی، قومی و مذهبی را در رشد و پیشرفت توسعه‌ی سیاسی در ایران بازنمایی می‌کند.

هسته مرکزی این مدل، هویت‌های فردی ایستای توسعه‌ی سیاسی است و در ویژگی‌هایی مانند خودمداری، تک‌روی، تملق و چاپلوسی، تنبلی، حسد، دروغ‌گویی، بدبینی، مسوولیت‌ناپذیری و زرنگی‌های کوتاه مدت به نمایش درآمده است.

در طواف این هسته مرکزی، شکاف‌های اجتماعی، نخبه‌گرایی و توده‌گرایی افراطی و جامعه‌ی ضعیف اخلاقی، در قالب هویت اجتماعی ایستای توسعه‌ی سیاسی در ایران تعریف شده است. از نظر دانشمندان علوم سیاسی ایران، فساد اداری، مهارگسیختگی بوروکراسی‌ها، بازدهی کم نظام اداری و حضور تشکل‌های غیررسمی در سازمان‌ها، فساد سیاسی، عدم حکومت قانون و برقراری رابطه به جای ضابطه، در نقش هویت سیاسی فرد ایرانی تجربه شده است، که بازدارنده توسعه‌ی سیاسی هستند.

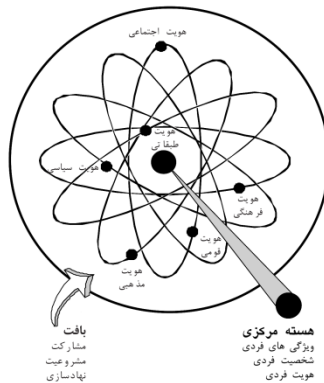
کوچک شدن طبقه متوسط در سالیان اخیر موجب افزایش شکاف میان طبقه مرفه و کم‌درآمد جامعه شده و از سوی دیگر، شکاف‌های قومی در ایران در حال فعال و سیاسی شدن هستند. اقوام ایرانی گاهی به اشتباه هویت قومی را جایگزین هویت ملی

می‌کنند، و هر دو شکاف طبقاتی و قومی ناموزون، اثر منفی و معکوس داشته، به مثابه سرکوبگر توسعه‌ی سیاسی عمل می‌کنند.

ترکیب جزمیت، اسطوره‌گرایی، فرهنگ خویشاوندسالاری، انقیادی و تبعی، تقلید و در یوزگی بیگانگان و نازل بودن مقام فکر و اندیشه، هویت فرهنگی را رقم می‌زند که می‌تواند در برابر توسعه و رشد سیاسی یک ملت، به‌عنوان یک سرکوبگر جدی قد علم کند. در نهایت، آمیزه‌ی مسایل و موضوعات غیرمذهبی و ورود خرافه و تقدیرگرایی و تسلیم‌پذیری به مسایل و موضوعات مذهبی، یک هویت مذهبی غیرمذهبی را رقم می‌زند، به گونه‌ای که عده‌ای به اشتباه مسایلی را که مذهبی نیستند و ریشه مذهبی ندارند، مذهبی فرض می‌کنند. در این حالت، هویت مذهبی، خودساخته و براساس آگاهی‌های ناقص و یا ناآگاهی کامل، مانع و بازدارنده‌ای بر سر راه دستیابی به توسعه‌ی سیاسی محسوب می‌شود.

این هسته‌ی مرکزی و حلقه‌های متقاطع هویتی ایستای توسعه‌ی سیاسی، در بافتی شامل پراکندگی احزاب، خشونت سیاسی، بی‌ثباتی، عدم وجود جامعه مدنی وسیع و متمرکز شدن اختیارات، به مثابه سپری در برابر توسعه‌ی سیاسی جامعه، مقاومت می‌کند. در نهایت، براساس اطلاعات و تحلیل به دست آمده، الگوی ایستاهای هویتی توسعه‌ی سیاسی در ایران، براساس مدل رینولدز و پوپ به صورت زیر طراحی شد:

مدل شماره ۲: مدل مفهومی ایستاهای هویتی توسعه سیاسی در ایران



نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های بسیاری بر روی ابعاد مختلف هویت صورت گرفته است. این پژوهش‌ها بیشتر توجه خود را بر اهمیت و تأثیر ابعاد مختلف هویت، مانند نژاد، فرهنگ و طبقه اجتماعی معطوف ساخته‌اند و علاوه بر آن، به بررسی بافت‌های فرهنگی - اجتماعی و سیاسی - اجتماعی که در شکل‌گیری هویت‌ها مؤثر هستند، پرداخته‌اند (تریکت، وات و بیرمن، ۱۹۹۴: ۷). الگوهای مفهومی پیشران‌ها و ایستاهای ابعاد چندگانه هویت مؤثر بر توسعه‌ی سیاسی در ایران، که در مدل‌های شماره ۱ و ۲ ارائه شده‌اند، با استفاده از آرا و نظرات اندیشمندان و پژوهشگران متفاوت علوم سیاسی در ایران، با دیدگاه‌های مختلف، به دست آمده است و پیچیدگی‌های توسعه‌ی سیاسی را، با توجه به ابعاد چندگانه‌ی هویت، به تصویر می‌کشد. این مدل نشان می‌دهد که ابعاد مختلف هویت، کم و بیش در پرتو تأثیر بافت شکل گرفته و بر توسعه‌ی سیاسی اثرگذاری دارند. هم‌چنین در این الگو، توسعه‌ی هویت به‌عنوان یک فرآیند سیال و پویا، به جای یک مدل ثابت و خطی، نشان داده می‌شود.

مدل رینولدز و پوپ (۱۹۹۱) درک عمیقی از هویت‌های چندگانه ارائه می‌کند. از این‌رو، در این تحقیق، از مدل رینولدز و پوپ (۱۹۹۱) در باب «ماهیت و ذات چندبُعدی هویت انسان» (ص ۱۷۹) برای تهیه یک چارچوب منسجم‌تر از پیشران‌ها و ایستاهای هویتی توسعه‌ی سیاسی در ایران، استفاده شد. به‌خصوص، مدل مفهومی ما علاوه بر هویت‌های چندگانه، به اهمیت بافت و همراهی آن با هویت برای رشد و توسعه‌ی سیاسی تأکید دارد و نشان می‌دهد که هویت‌های چندگانه، مارپیچ‌های همپوشان و به هم بافته‌شده‌ای را برای پیشرفت و تأثیرگذاری بر توسعه‌ی سیاسی دنبال می‌کنند، که در محیط بافت و متن تنفس می‌کنند و نقش می‌پذیرند. این مدل پویا، غیرخطی و پیچیده است. مدل مفهومی رینولدز و پوپ، که با استفاده از مدل مک اون پیرامون هویت‌های چندگانه تکمیل شده است، چگونگی ارتباط هویت فردی و سایر هویت‌های چندگانه را در گذر زمان به تصویر می‌کشد. در نهایت، مدل مفهومی نهایی نشان می‌دهد، که چگونه هویت می‌تواند به صورت‌های مختلف و در زمان‌های متفاوت، به‌خصوص در ارتباط با هویت فردی فرد و برجستگی نسبی هر یک از ابعاد آن، در توسعه‌ی سیاسی درک و تجربه شود.

مدل مفهومی ارائه شده نشان‌دهنده تأثیرگذاری ابعاد مختلف و چندگانه‌ی هویتی به‌عنوان پیشران یا ایستا، در شکل‌گیری توسعه‌ی سیاسی در ایران است. به علاوه، این

مدل بر اهمیت تأثیر بافت بر شکل‌گیری ابعاد مختلف هویت، به‌عنوان پیشران یا ایستای توسعه سیاسی تأکید دارد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، که باید به ابعاد مختلف هویت و تأثیر و تأثر این ابعاد بر یکدیگر و بر رشد و توسعه‌ی سیاسی در ایران توجه داشت، و قرار دادن یک یا چند بُعد از ابعاد چندگانه‌ی هویت به‌عنوان پیشران یا ایستا در زیر ذره‌بین، نتایج ملموسی دربرنخواهد داشت. در این پژوهش، تلاش کردیم تا با ارائه الگوهای مفهومی پیشران‌ها و ایستاهای هویتی توسعه‌ی سیاسی در ایران، آینه‌ای تمام‌نما در برابر خود و تمام ایرانیان قرار دهیم، تا بلکه واقعیت‌های وجود خود را در همه زمینه‌ها درک کنیم. شاید در پی اصلاح کاستی‌ها و تقویت مزیت‌ها برآییم، زیرا توسعه یک امر درونی است، یک فرهنگ، یک نگاه و یک جهان‌بینی است. در واقع، در قاب شیشه قرار دادن ابعاد چندگانه هویتی تأثیرگذار بر توسعه سیاسی در ایران، «یک سفر مستمر در کشف لایه‌های پنهان خود» است.

منابع

- مجموعه مقالات چالش‌های اجتماعی ایران (۱۳۸۷)؛ فساد، تبعیض و فقر؛ موانع اساسی توسعه در ایران / سیدمحمد احمدی، موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران / محمدعلی مشفق، بررسی توسعه‌نیافتگی با تکیه بر ریشه‌های فرهنگی / الهام میری آشتیانی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- اشرف، احمد (۱۳۷۸)؛ *هویت ایرانی در بین ایرانیان خارج از کشور*، ج ۲، سنت و تجدد، بولتن فرهنگی معاونت امور بین‌الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- امین‌زاده، محسن (۱۳۷۶)؛ «توسعه سیاسی»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۱۱۸-۱۱۷، ص ۱۱۰.
- آنتادوپوپ، و. (۱۳۶۱)؛ «هویت فرهنگی»، *پیام یونسکو*، ش ۱۴۷، شهریور و مهر، صص ۴-۷.
- بازرگان، مهدی (۱۳۵۵)؛ *روحیه سازگاری ایرانی*، ج ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸)؛ *جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران*، تهران: نشر علوم نوین.
- ----- (۱۳۸۰)؛ *موانع توسعه سیاسی در ایران*، تهران: نشر گام نو.
- ----- (۱۳۸۲)؛ *دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دوره جمهوری اسلامی*، ج ۲، تهران: نشر نگاه معاصر.

- (۱۳۸۳)؛ «ریشه‌های تاریخی توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران (تا قبل از انقلاب اسلامی) از منظر اندیشه‌گران لیبرال و اسلامی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، دوره ۶۵، داندلود شده از پایگاه نشریات الکترونیکی دانشگاه تهران، صص ۳۵-۵۸.
- (۱۳۸۴)؛ *گذار به دموکراسی*، تهران: نگاه معاصر.
- پای، لوسین (۱۳۸۵)؛ *جنبه‌های رشد سیاسی؛ مفهوم رشد سیاسی*، ترجمه عزت‌اله فولادوند، تهران: نشر ماهی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)؛ *جامعه‌ی امن در گفتمان خاتمی*، تهران: نی.
- (۱۳۹۲)؛ *مدنیت در ایران هنوز به بلوغ نرسیده است*، روزنامه آرمان، ۱۳۹۲/۱۰/۲۱.
- ربیعی، علی (۱۳۸۳)؛ *زنده باد فساد*، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رضاقلی، علی (۱۳۷۳)؛ *جامعه‌شناسی خودکامگی: تحلیل جامعه‌شناختی ضحاک ماردوش*، تهران: نی.
- (۱۳۷۴)؛ «تاریخ، توسعه و توسعه‌نیافتگی: نگرش تطبیقی به آراء ابن‌خلدون، مارکس، بازرگان و نورث»، www.rezagholi.ir/category/articles. داندلود شده در شهریور ۱۳۹۳.
- (۱۳۷۷)؛ *جامعه‌شناسی نخبه‌کشی*، تهران: نی.
- رضایی، عباس (۱۳۸۹)؛ *فقدان شایسته‌سالاری مانع جذب توسعه پایدار*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- رضایی، علی‌اکبر؛ صالحی‌امیری، سیدرضا؛ رفیعی‌نژاد، علی‌اصغر (۱۳۹۰)؛ «موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران و ارائه راهکارهای مدیریتی در این حوزه»، *مجله مدیریت فرهنگی*، س ۵، ش ۱، صص ۱۵-۳۲.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷)؛ *توسعه و تضاد*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رهبر، عباسعلی (۱۳۷۶)؛ «شیعه و فرهنگ توسعه»، *حکومت اسلامی*، س ۲، ش ۵، صص ۲۳۴-۲۶۰.
- رهبری، علیرضا (۱۳۸۹)؛ «انقلاب اسلامی و هویت ملی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، س ۴، ش ۱۶، صص ۱۰۵-۱۲۵.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۸)؛ *سنت و مدرنیته*، تهران: روزنه.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۲)؛ *عقل و توسعه یافتگی*، تهران: سفیر.
- (۱۳۷۶)؛ *عقل و توسعه یافتگی (مبانی ثابت پارادایم توسعه)*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- (۱۳۷۷)؛ «مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی ایران»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۱۳۶-۱۳۵، صص ۳۴-۴۳.
- (۱۳۸۱)؛ *عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران*، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- (۱۳۹۱)؛ «ابعاد نامحسوس و خلقی توسعه‌نیافتگی ایران»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ش ۳۲، نسخه ۸، صص ۱-۲۲.
- سو، آوین (۱۳۸۶)؛ *تغییر اجتماعی و توسعه*، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۹۱)؛ *نظریه‌های مختلف درباره راه‌های گوناگون نوسازی و دگرگونی سیاسی*، تهران: قومس.
- شیخ‌آوندی، داور (۱۳۷۹)؛ *تکوین و تنفید هویت ایرانی*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- (۱۳۸۰)؛ *ناسیونالیسم و هویت ایرانی*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۲)؛ *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نی.



- علمداری، کاظم (۱۳۷۹)؛ *چرا ایران عقب‌ماند و غرب پیش رفت؟*، تهران: توسعه.
- قاضی‌مرادی، حسن (۱۳۸۰)؛ *در پیرامون خودمداری ایرانیان*، تهران: اختران.
- ----- (۱۳۸۶)؛ *کار و فراغت ایرانیان*، تهران: اختران.
- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۲)؛ *چالش‌های توسعه سیاسی*، تهران: قومس.
- کاظمی، سیدعلی‌اصغر (۱۳۷۶)؛ *بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر*، تهران: قومس.
- ----- (۱۳۸۰)؛ *جهانی‌شدن فرهنگ و سیاست*، تهران: قومس.
- معمارزاده، غلامرضا؛ پاک‌طینت، اقبال (۱۳۸۵)؛ «عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی»، *کنترلر*، س ۴۱، دوره ۲، ش ۲۱، صص ۱-۲۵.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۶)؛ «جایگاه هویت در پایان‌نامه‌های دانشجویی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۸، ش ۳، صص ۸۱-۱۰۱.
- نصیری‌زاده، حمیدرضا و دیگران (۱۳۸۳)؛ «بررسی وضعیت فرهنگی شهرستان یزد»، *مجله کاوش‌نامه علوم انسانی*، دانشگاه یزد، س ۵، ش ۷ و ۸، صص ۱۷۹-۱۹۷.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵)؛ *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علم.
- هریسون، لارنس؛ هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۸)؛ *اهمیت فرهنگ*، ترجمه گروه ترجمه انجمن توسعه مدیریت ایران، چ ۲، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- هیوز، آون (۱۳۷۷)؛ *مدیریت دولتی نوین*، ترجمه سیدمهدی الوانی، سهراب خلیلی شورینی و غلامرضا معمارزاده، تهران: مروارید.
- وطن‌خواه، مصطفی (۱۳۸۰)؛ *موانع تاریخی توسعه‌نیافتگی در ایران*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- Atkinson, D. R., Morten, G., & Sue, D. W. (1993); *Counseling American minorities: A cross-cultural perspective* (4th ed.). Dubuque, IA: Brown & Benchmark.
- Deaux, K. (1993); "Reconstructing social identity", *Personality and Social Psychology Bulletin*, 19, 4-12.
- Diop, C.A. (1991); *Civilization or Barbarism*, Brooklyn N.Y: Lawrence Hill Books.
- Glaser, B., & Strauss, A. (1967); *The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*, Chicago: Aldine.
- Jones, Susan R., McEwen, M. K. (2000); "A conceptual model of multiple dimensions of identity", *Journal of College Student Development*, 41, 4, 405-414.
- McEwen, M. K. (1996); "New perspectives on identity development", In S. R. Komives & D. B. Woodard Jr. (Eds.), *Student services: A handbook for the profession*, (3rd ed., PP 188-217). San Francisco: Jossey-Bass.
- Reynolds, A. L., & Pope, R. L. (1991); "The complexities of diversity: Exploring multiple oppressions", *Journal of Counseling & Development*, 70, 174-180.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1990); *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques*, Newbury Park, CA: Sage.
- Trickett, E. J., Watts, R. J., & Birman, D. (Eds.). (1994); *Human diversity: Perspectives on people in context*, San Francisco: Jossey-Bass.